

تأملی در آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری

علیرضا محمد زاده وارقانی*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۰/۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۶/۱۲/۸)

چکیده:

تهیه یک اثر توسط گروهی از افراد به اشکال گوناگون انجام می‌شود. گاهی همکاری افراد همراه با مشورت و همفکری یکدیگر است، در این صورت اثر را مشترک می‌نامند. گاهی همکاری افراد تحت مدیریت شخصی حقیقی و یا حقوقی انجام می‌گیرد، در این حالت اثر را جمعی می‌نامند. گاهی اثر در نتیجه استفاده از اثر سابق صورت می‌گیرد، در این مورد اثر را مشتق (اشتقاقی) یا ثانوی می‌نامند. بنابراین، اگر اثری را که در نتیجه فعالیت چند نفر ایجاد می‌شود به طور کلی مرکب بنامیم، در این صورت اثر مرکب در مقابل اثر ساده قرار می‌گیرد، و اثر ساده به اثری اطلاق خواهد شد که آفریده شخص واحد است. به عبارتی دیگر، آثار مرکب شامل آثار اشتقاقی (ثانوی)، جمعی و مشترک می‌باشند. این نوشته به منظور تعیین وضعیت حقوقی و معیار تمیز آثار مشترک از آثار جمعی است.

واژگان کلیدی:

اثر مشترک - اثر جمعی - اثر مرکب - حق معنوی - حقوق مالی.

مقدمه

اثری که در نتیجه همکاری چند نفر به وجود می‌آید ممکن است دارای وضعیت‌های متفاوت باشد. ممکن است همکاری با هماهنگی و سازماندهی شخصی حقیقی یا حقوقی و یا با هماهنگی بین خود مؤلفان بدون دخالت شخص ثالث صورت گیرد. در این همکاری ممکن است سهم مشارکت‌کنندگان قابل تعیین و یا غیرقابل تعیین باشد. مشارکت هر یک ممکن است از یک نوع و یا انواع گوناگون باشد، به عنوان مثال، اثر دارای عناصر ادبی و هنری باشد، یا اینکه از یک نوع مثلاً ادبی تنها باشد (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۵۴). این امکان وجود دارد که مؤلف در تهیه اثر از اثر سابق بهره گرفته باشد که در این صورت از اثر جدید تحت عناوین گوناگون ثانوی، مشتق و یا اشتقاقی یاد می‌شود. این نوع آثار شامل اقتباس، ترجمه، جنگ در زمینه ادبی و تنظیم در زمینه موسیقی و تبدیل در زمینه هنرهای پلاستیکی (تجسمی) می‌شود. اگر مؤلف اثر سابق در تهیه اثر دوم همکاری داشته باشد اثر دوم ثانوی نیست، بلکه اثر مشترک تلقی می‌شود. به هر حال امکان اینکه یک اثر مشترک در عین حال ثانوی هم باشد، وجود دارد. چنانچه کلیه آثار آفریده شده توسط دو یا چند نفر، اعم از اینکه همکاری بین آنها به طور مستقیم و یا غیرمستقیم باشد را مرکب بنامیم، در این صورت آثار مرکب دارای انواع گوناگون اشتقاقی، جمعی و مشترک خواهد بود. آثار جمعی و مشترک به لحاظ شباهت‌های فراوان در برخی نظام‌های حقوقی^۱ و تألیفات پاره‌ای مؤلفان (نوروزی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹) با یکدیگر خلط شده‌اند. هدف از این نوشتار بررسی مفاهیم یاد شده، ترسیم وضعیت حقوقی آنها و تعیین ملاک تشخیص آن دو است. در رشته حقوق مالکیت فکری مؤلفان به اعتبار آثارشان مورد حمایت می‌باشند. اگر در آفرینش اثر افراد متعدد شرکت کرده باشند، در این صورت طبیعی است که کلیه مؤلفان با توجه به میزان و نحوه مشارکت آنها مشمول حمایت قرار گیرند. به عبارتی دیگر نحوه مشارکت آفریننده در آفرینش اثر عامل تعیین‌کننده در نوع و عنوان اثر و نیز تعیین حقوق شریک همکار و اجرای آن است. در اکثر نظام‌های حقوقی به عناوین اثر مشترک و جمعی به عنوان آثاری که در نتیجه فعالیت دو یا چند نفر حاصل می‌شود اشاره شده است، بدون اینکه بر مفهوم این اصطلاحات، نوع و میزان حقوق اختصاصی بین آنها اتفاق نظر وجود داشته باشد. در برخی قوانین معیار تشخیص اثر جمعی از اثر مشترک تشخیص و تعیین مؤلف هر بخش قرار گرفته است، با این توضیح که اگر مؤلف هر بخش مشخص باشد اثر جمعی و در غیر این صورت اثر مشترک خواهد بود. قانون‌گذار نیز تحت تأثیر برخی قوانین بیگانه طی

۱. به عنوان مثال قانون کپی‌رایت انگلستان مصوب ۱۹۸۸ در تعریف اثر مشترک بیان می‌دارد: ... اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده است و سهم هر پدیدآورنده از سهم پدیدآورندگان متمایز نیست، مشترک می‌باشد. رک. صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱.

ماده ۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، و نیز ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدید آورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای به تعریف اثر مشترک پرداخته است.^۱ به منظور ارزیابی مواد یاد شده ابتدا اثر جمعی (الف)، سپس اثر مشترک (ب)، با تأکید بر حقوق فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد، سرانجام نقد مواد قانونی مربوط در حقوق داخلی با توجه به بررسی صورت گرفته نتیجه این تحقیق را تشکیل خواهد داد.

الف: اثر جمعی

اثری که در اکثر قوانین ملی تصریح شده و مورد مناقشه حقوقدانان است و بیشترین ابهام را دارد، اثر جمعی (oeuvre collective) است. این اثر با همکاری چند مؤلف و به ابتکار و سازماندهی یک شخص حقیقی و یا حقوقی منتشر می‌شود. نوعی اثر بی نام است. در این نوع اثر حقوق مؤلف مستقیماً به شخص حقیقی یا حقوقی که اثر تحت نام او تهیه و منتشر می‌شود، تعلق می‌گیرد، هر چند که خلاقیت با شخص حقوقی ناسازگار است. این مانع از آن نیست که نویسندگان بخش‌های معین از حق مؤلف در رابطه با بخش‌های مشخص مربوط به خود برخوردار باشند. قابل یادآوری است که بیشترین فایده برخوردار می‌شود مستقیم شخص حقوقی از حق مؤلف در مواردی ظاهر می‌شود که اثر توسط کارمند او خلق شود. در اکثر قوانین ملی به مانند ماده ۴۸۵ قانون مدنی شوروی سابق اعلام شده است: حق مؤلف در مورد مجموعه‌های علمی، فرهنگ لغات و جراید به مؤسساتی که آنها را منتشر می‌کنند، تعلق دارد، بدون اینکه به حقوق مؤلفان شرکت کننده در این آثار لطمه‌ای وارد شود (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۶۷). انتشار و چاپ مجدد اثر به تصمیم شخصی که اثر تحت نام او منتشر شده صورت می‌گیرد، اگر چه مؤلفان بخش‌های مشخص می‌توانند جداگانه اقدام به بهره‌برداری بخش مربوط به خود نمایند، به شرط اینکه به بهره‌برداری از اثر جمعی لطمه‌ای وارد نشود.

در اکثر نظام‌های حقوقی جهان از دایره‌المعارف‌ها، فرهنگ لغات، مجلات، فصل‌نامه‌ها و برخی آثار چند رسانه‌ای مرکب از صدا، تصویر و متن به عنوان نمونه‌هایی از این نوع آثار نام برده شده و گفته می‌شود تمامی آثاری که یک شخص ابتکار تهیه و انتشار آن را به عهده می‌گیرد، کارها را بین مؤلفان متعدد تقسیم می‌کند و خود او نقش تنظیم‌کننده را به عهده دارد،

۱. ماده ۶ ق.ح.م.م. هـ مصوب ۱۳۴۸: اثری که با همکاری دو یا چند پدید آورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است.
ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدید آورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای: هر گاه اشخاص متعدد در پدید آوردن نرم‌افزار مشارکت داشته باشند، چنانچه سهم مشارکت هر یک در پدید آوردن نرم‌افزار مشخص باشد، حقوق مادی حاصل از آن به نسبت مشارکت به هر یک تعلق می‌گیرد. در صورتی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است.

جمعی است (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۶۷). ابتکار طرح اثر جمعی به قانون‌گذار فرانسه در سال ۱۹۵۷ نسبت داده می‌شود که به منظور حل مشکلات ناشی از فرهنگ لغات و دایره‌المعارف‌ها، آن را مطرح کرده است، هر چند که به نظر برخی مؤلفان وضعیت پیچیده‌تر شده است؛ زیرا که به نظر آنان قانون‌گذار می‌توانست به جای طرح این مفهوم با توسل به قاعده واگذاری حقوق به شخص مدیر مشکل را آسان‌تر حل کند (لوکا، سال ۲۰۰۱ میلادی، ص ۱۸۳). بحث تفکیک اثر جمعی از اثر مشابه خود؛ یعنی اثر مشترک به لحاظ تفاوت از جهت نوع و ماهیت پرداخت، مدت حمایت و طرح دعوی جایز اهمیت است. در حقوق مالکیت فکری فرانسه مطابق ماده ۶-۱۳۲ L قانون مالکیت فکری^۱ حق مؤلف هر یک از مؤلفان در اثر جمعی جنبه مقطوع دارد و شروع مدت حمایت از تاریخ انتشار است (م. ۳-۱۲۳ L ق.م.ف.ف) و در صورت ارتکاب عمل نقض حق، شخص حقیقی یا حقوقی که اثر تحت نام او منتشر شده است مجاز به طرح دعوی است. قانون ۱۹۵۷ فرانسه نه تنها معیار روشنی جهت تفکیک این دو نوع اثر ارائه نمی‌داد، بلکه موجب سردرگمی و ابهام نیز بود. برخی مؤلفان فرانسوی از بند ۳ ماده ۹ این قانون این‌طور استنباط می‌کردند که چنانچه سهام مشارکت مؤلفان قابل تفکیک نباشد، در این صورت اثر جمعی است. در صورتی که می‌دانیم اثر مشترک هم می‌تواند دارای چنین ویژگی باشد؛ یعنی اگر در صورت همکاری بسیار نزدیک مؤلفان با یکدیگر تشخیص آورده هر یک مقدر نشد، با وجود این اثر به لحاظ همفکری مؤلفان مشترک خواهد بود. مفهوم کلیدی در اثر جمعی به عهده گرفتن امور یک مجموعه فعالیت‌های انفرادی تحت اداره و مدیریت واحد به منظور نیل به نتیجه‌ای مشترک است. عملیات مشترک تحت اداره عمودی مدیر صورت می‌گیرد؛ از همین جهت متفاوت از اثر مشابه خود یعنی اثر مشترک می‌باشد، زیرا که این نوع اثر نتیجه همفکری مشترک افقی همکاران است (گوته پیر، ۱۹۹، ص ۴۹۵). بنابراین، اگر کارفرما ثابت کند که اثر به ابتکار او تهیه شده و او نقش موتور را در تهیه آن به عهده داشته است، اثر جمعی تلقی خواهد شد. بدین‌سان سازمان انتشاراتی که تفکر طرح تاریخ فرانسه به شکل نقاشی متحرک (کارتون یا bande dessinée) را عملی ساخته است، مبتکر اثر جمعی تلقی شده، و برعکس نقاشی که در کمال آزادی و بدون دریافت هیچ‌گونه دستوری به خلق تصاویری جهت تهیه یک کلکسیون قالی اقدام نموده، محروم از برخورداری از این عنوان شده است.^۲

بدون تردید ضابطه تشخیص در عدم تعیین مؤلفان بخش‌های گوناگون نیست، زیرا در بسیاری از انواع آثار جمعی مثل مجلات مؤلفان هر بخش مشخص می‌باشند. اثر جمعی جمع‌آوری مجموعه آورده‌های انفرادی در یک مجموعه تحت مدیریت خاص سفارش دهنده

۱. قانون مالکیت فکری فرانسه از این پس با علامت اختصاری ق.م.ف.ف. معرفی می‌شود.

۲. دادگاه استیناف پاریس، ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۷، دالوز ۱۹۸۸ ص ۲۰۵ با تفسیر و نقادی استاد کلمبه

است، بدون این که الزاماً تشخیص آورده هر یک غیر ممکن باشد. خلق اثر تحت مدیریت شخصی حقوقی نیز به تنهایی موجب جمعی تلقی شدن اثر نیست، بلکه مجموعه شرایط لازم است. به عنوان مثال، اگر اثری با حمایت مالی یک تعاونی و با مشورت و همکاری اعضای آن تعاونی خلق شود، اثر مشترک خواهد بود و نه جمعی (گوته، ۱۹۹۶، ص ۴۹۷). همچنین اثر ترجمه‌ای که تحت نام فرد هماهنگ‌کننده‌ای منتشر نشده جمعی تلقی نشده است، بلکه مشترک است. از نظر مؤلفان فرانسوی اثر جمعی به عنوان استثناء مطرح می‌باشد (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۸۲). ضروری است که تعیین حقوق هر یک از مؤلفان در اثر جمعی مقدور نباشد. به تعبیر دیوان عالی فرانسه، اگر شرکت‌کنندگان در ساختار و تفکر کلی تهیه اثر نقشی نداشته باشند و تنها مشارکت آنها محدود به بخش تعیین شده برای آنها باشد، در این صورت تعیین حقوق هر یک «حقوق مشخص» غیر ممکن و اثر جمعی می‌باشد (کلمبه، ۱۳۸۵، ص ۶۹).

مطابق بند ۵ ماده ۱۱۳.ق.م.ف.ف اثر جمعی در مالکیت شخص حقیقی یا حقوقی که تحت نام او اثر افشاء و نشر شده می‌باشد. این شخص دارنده حق مؤلف است. در حالی که به طور طبیعی حق مؤلف به آفریننده تعلق می‌گیرد و سپس او حقوق خود را به بهره‌بردار منتقل می‌کند، اما مطابق قانون، حق مؤلف مستقیماً در ملکیت طرف قرارداد اعم از شخص حقیقی یا حقوقی به وجود می‌آید، بدون این که از مؤلف عبور کند، سرمایه‌گذار مستقیماً دارنده حقوق است. به بیانی دیگر او منتقل‌الیه حقوق، و نیز مؤلف نیست، بلکه برخوردار از حقوق است تا زمانی که خلاف آن اثبات نشده است. مطابق ماده ۳-۱۲۳.ق.م.ف.ف شروع مدت حمایت تاریخ انتشار، و مدت آن هفتاد سال است. از آنجا که طول عمر شخص حقوقی می‌تواند بسیار طولانی باشد، لذا قانون‌گذار این مدت را محدود به هفتاد سال از تاریخ انتشار کرده است. در صورت تجاوز به اثر مدیر مجاز به طرح دعوی تجاوز حق مؤلف است.

با توجه به ماده ۶-۱۲۳.ق.م.ف.ف صاحب‌نظران در حقوق فرانسه بر این عقیده‌اند که مؤلفان مشارکت‌کننده در اثر جمعی جنبهٔ مقطوع دارد، بدون اینکه حق تألیف نسبی کاملاً منتفی باشد (گوته، ۱۹۹۶، ص ۴۹۹).

با توجه به اینکه مدیر دارنده مستقیم حقوق مالی است، بنابراین مؤلفان نمی‌توانند مدعی مشارکت در حاصل چاپ‌های بعدی اثر به جز مبلغی که به صورت مقطوع به آنها پرداخت شده، باشند. همچنین آنها نمی‌توانند مدعی مشارکت در مبالغ حاصل از بهره‌برداری از آثار ثانوی (آثار مشتق از اثر جمعی) باشند، به همین ترتیب مبالغ پرداختی به مؤلفان همکار نمی‌تواند دارای ماهیت بدهی ناشی از تألیف به مفهوم اخص کلمه باشد، بلکه این پرداخت ماهیت مزد و حقوق را دارا است. در مورد حقوق مؤلفان بر سهام مشارکتی خود، ماده ۸-۱۲۱.ق.م.ف.ف در رابطه با روزنامه‌ها و مجلات دوره‌ای که از نمونه‌های بارز آثار

جمعی محسوب می‌شوند، مقرر می‌دارد: مؤلفان دارای حق انحصاری در تجمیع و چاپ مقالات و سخنرانی‌های خود هستند، همچنین آنها دارای حق بهره‌برداری مجزا از سهام مشارکتی خود به شرط عدم رقابت با اثر جمعی هستند، مگر در صورت شرط خلاف. پرسش مطرح شده این است که آیا می‌توان حکم قانونی مقرر در مورد روزنامه‌ها و مجلات دوره‌ای را به کلیه آثار جمعی تسری داد؟ هر چند که در این مورد بین دکترین اختلاف نظر است اما رویه قضایی در جهت تأیید است. پاره‌ای مؤلفان با این استدلال که چون آثار جمعی خود استثناء و روزنامه‌ها و مجلات نیز در بین آثار جمعی استثناء می‌باشند، پس تسری راه‌حل قانونی به تمامی انواع آثار جمعی محل تردید است. برعکس، عده‌ای دیگر با تأکید بر مشخص بودن حقوق و آورده هر یک از مؤلفان، موافق اعمال راه‌حل قانونی به عنوان قاعده در مورد کلیه آثار جمعی هستند (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۸۵).

در صورت ایراد لطمه به حق معنوی مؤلفان، طبیعی است که هر یک از مؤلفان دارای اختیار اقدام شخصی علیه ناقض حقوق باشند، و به نظر برخی منطقی است که مدیر به منظور حفظ منافع جمع اقدام نماید و مؤلفان نیز در کنار او با او همراه شوند (گوتیه، ۱۹۹۶، ص ۴۹۹). در حالتی که آورده هر یک از شرکاء مشخص نیست و سهام مشارکتی در مجموعه حل شده است، حق معنوی مؤلفان نیز تضعیف می‌شود. در این حالت اداره و ارائه مناسب اثر جمعی ایجاب می‌کند که مدیر مجاز به انجام برخی تغییرات در اجزاء تشکیل دهنده اثر باشد و چنانچه یکی از اعضاء از اتمام سهم مشارکتی خود خودداری کرد، شخص دیگری را جایگزین او نماید (ماده ۶ - L.۰۱۲۱).

مطابق بند ۲ ماده ۵ - L.۰۱۱۳ ق.م.ف.ف. شخصی که اثر تحت نام او افشاء و منتشر می‌شود از حق مؤلف برخوردار است. با توجه به اینکه در نظام‌های شخص محور همچون نظام حقوقی فرانسه شخص حقوقی نمی‌تواند از حق معنوی برخوردار شود، و در اکثر موارد مدیر اثر جمعی نیز شخص حقوقی است و نقش شخص حقوقی در این نوع آثار قابل قیاس با تولیدکنندگان فنوگرام (حامل‌های صوتی) و ایجاد کنندگان پایگاه‌های داده‌ها است، لذا این پرسش مطرح می‌شود که آیا این شخص حقوقی از حق معنوی نیز برخوردار است؟ هر چند که مؤلفان فرانسوی در اختصاص حق معنوی به شخص حقوقی اکره دارند، اما اظهار شده است که با توجه به اطلاق ماده قانونی که در آن از حقوق به طور کلی سخن رفته است باید برای شخص حقوقی هم قائل به حق معنوی شد. (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۸۵). در این صورت با وجود حق معنوی هر یک از مؤلفان و اعمال آن توسط آنان وضعیت این حق برای مدیر محل بحث است. مطابق رویه قضائی فرانسه حدود اعمال این حق توسط مدیر به «هماهنگی لازم بخش‌های گوناگون اثر در کل آن» محدود می‌باشد (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۸۶).

مطابق بند ۳ ماده ۲-۱۱۳ L.ق.م.ف.ف اثر جمعی باید تحت نام شخص مبتکر افشاء نشر و چاپ شود. به اعتقاد برخی قید افشاء انتشار و چاپ اثر تحت نام کارفرما همراه با یکدیگر قدری مبهم است، و این ابهام نیز ناشی از بی‌توجهی قانون‌گذار است، زیرا که اعمال آن در مورد برخی آثار مثل نرم‌افزارهای رایانه‌ای و مجموعه داده‌ها که لزوماً به معنی فنی کلمه چاپ نمی‌شوند، محل سؤال است. گذشته از ایراد یاد شده و ابهامی که راجع به «حقوق مشخص»^۱ معیار تشخیص اثر جمعی از سایر انواع آثار وجود دارد، به اعتقاد عده‌ای ابتکار اثر جمعی در حقوق مالکیت فکری فرانسه به منظور حل مشکلات مربوط به فرهنگ لغات و دایره‌المعارف‌ها بوده است که عمدتاً توسط شخص حقوقی تهیه می‌گردند و اختصاص حق مؤلف به شخص حقوقی در نظام شخص محور فرانسه پذیرفته نبوده است، اکنون که این مشکل با پذیرش و قائل شدن حق مؤلف به شخص حقوقی برطرف شده است، اصلاح قانون را توصیه می‌کنند (لوکا، پیشین، ص ۱۸۳).

ب: اثر مشترک

یکی از انواع آثار مرکب که نتیجه فعالیت چند مؤلف می‌باشد و متفاوت از اثر جمعی است، اثر مشترک (oeuvre de collaboration) است. در برخی از حقوق‌ها به اثری مشترک اطلاق می‌شود که نه تنها چند مؤلف در آفرینش آن نقش دارند، بلکه نقش آنها به نحوی است که پس از به نتیجه رسیدن اثر تعیین این که کدام بخش نتیجه فعالیت کدام مؤلف است غیر ممکن است.^۲ در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی مفهوم اثر مشترک وسیع‌تر از برداشت اخیر است. در این کشورها اصطلاح نه تنها شامل این نوع آثار است، بلکه شامل آثاری نیز است که مؤلف هر یک مشخص و معین‌اند، اما هر یک از بخش‌ها با همکاری و همفکری سایرین بخش مربوط به خود را تهیه و عرضه می‌کنند، به همین لحاظ هم اثر مشترک نامیده می‌شود. پس این خالی از اهمیت است که مشارکت‌ها قابل تشخیص باشند یا خیر، این امکان وجود دارد که از جهت فیزیکی قابل تجزیه، اما از جهت فکری و روحی غیر قابل تجزیه باشند (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۵).

آفرینش توسط چند نفر صورت می‌گیرد، مؤلفان متعدد با گردآوری کارهای خود تصمیم به خلق یک اثر مشترک می‌گیرند. تفاوت با اثر جمعی در این است که همکاری مؤلفان در

۱. در این مورد مراجعه شود به صص ۳۱۹ همین پژوهش.

۲. این برداشت با تعریف ارائه شده از اثر مشترک در نظام‌های حقوقی انگلستان و ایالات متحده منطبق است، با وجود این در یکی از آراء صادره از دادگاه‌های انگلستان آمده: برای تشکیل یک اثر مشترک باید طرحی مشترک وجود داشته باشد. رک. صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱.

آفرینش اثر مشترک به صورت افقی است و نه عمودی. مؤلفان خود با یکدیگر در موقعیت‌های مساوی متحد می‌شوند تا اثری مشترک خلق کنند، بدون اینکه کار آنها توسط مدیر یا مؤسسه‌ای کنترل و اداره شود (گوته، ۱۹۹۶، ص ۵۰۳). بنابراین ضابطه تعیین اثر مشترک در همفکری بین مؤلفان و آزادی عمل آنها و نبود کارفرما نهفته است. پس، اگر یکی از همکاران فقط به انجام دستورات اکتفا کرده باشد و از خود خلاقیتی بروز نداده باشد، الزاماً باید او را همکار در سطح عمودی تلقی کرد. همکاری و همفکری بین مؤلفان باید جنبه واقعی داشته باشد و از رویهم‌قرار دادن کارهای انفرادی بدون همفکری یکدیگر اثر مشترک پدید نمی‌آید. همکاری باید جنبه واقعی داشته باشد، دادن ایده و عنوان به تنهایی کفایت نمی‌کند. رویه قضائی فرانسه از پذیرش این عنوان برای نقاشی که دخالت او به دادن موضوع و راهبردهای کلی محدود شده، بدون اینکه عمل نقاشی را کنترل کند، همچنین استادی که دخالت او به راهنمایی شاگرد در انتخاب مواد محدود شده، و نیز مشتری عکاسی که دخالت او به راهنمایی‌های کلی به روی موضوع عکس محدود شده، امتناع کرده است (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۱). مؤلفان فرانسوی (فرانسون، ۱۹۹۶، ص ۱۹۲) به عنوان نمونه از آثار مشترک، رمان نوشته شده توسط چند نفر بدون توجه به این نکته که مؤلف هر بخش قابل تعیین باشد یا خیر، اپرا که حاصل توافق بین مؤلف و سازنده موسیقی است و به سادگی تشخیص «بخش مبتنی بر تفکر مؤلف و سازنده موسیقی امکان‌پذیر است، اثر دراماتیک موزیکال (نمایشی - موسیقی)» که در آن سناریست (نمایشنامه‌نویس)، سازنده و اعضای گروه موسیقی مشارکت‌کنندگان در اثر مشترک می‌باشند، ترانه که مرکب از موسیقی و آواز است، کارتون (نقاشی متحرک) که حاصل همکاری بین مؤلف، سازنده موسیقی و اجرا کنندگان است، گزارش که نتیجه همکاری بین گزارشگر و فرد گزارش شده است، آثاری که حاصل همکاری بین مؤلف واقعی و ظاهری است و به کارهای سیاه معروف‌اند، باله (ballet) که مشتمل بر رقص و موسیقی است و فیلم‌های سینمایی و رادیو تلویزیونی را نام می‌برند.

قطعاً، کسی که مدعی عنوان مؤلف همکار است باید همکاری او واجد اصالت باشد، یعنی اگر فردی جز اجرای دستورات دیگری عملی انجام نداده باشد و عمل او خالی از هر گونه خلاقیت باشد، مؤلف تلقی نخواهد شد. فرضیه به ویژه در زمینه هنرهای پلاستیکی (تجسمی) که عمل فیزیکی نقش قابل توجهی در شکل‌گیری اثر دارد، مطرح می‌باشد. گینو (Guino)، یکی از شاگردان رنوا (renoir) مجسمه‌ساز معروف فرانسوی که دست‌هایش به علت بیماری رماتیسم قادر به حرکت نبود، تحت تعلیمات او تعدادی مجسمه ساخته و به نام رنوا عرضه می‌کند، دیوان عالی کشور فرانسه این آثار را آثار مشترک تلقی کرد (فرانسون، ۱۹۹۹، ص ۱۹۳). هنرمند در زمینه ساخت و ترکیب مجسمه و شاگرد در مرحله ابراز و ارائه دارای سهم خلاقیت

می‌باشند، قطعاً شاگرد در مقابل استاد در وضعیت تبعیت است، اما این وضعیت بدان گونه نیست که از شاگرد سلب خلاقیت کند، او به نوبه خود دارای نوعی آزادی خلاقیت می‌باشد و همین قدر آزادی کفایت می‌کند که او همکار مؤلف تلقی شود. به عبارتی دیگر همکاری دارای درجاتی است، اهمیتی ندارد که یکی از همکاران نقش اصلی در هماهنگی را ایفا کند. همچنین کارمند بودن برای مؤلف همکار مانعی محسوب نمی‌شود (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۲)، همان گونه که به تصریح بند ۴ ماده ۳-۱۱۱۳ ل.ق.م.ف.ف. اهمیت ندارد که مشارکت از یک نوع یا انواع مختلف باشد. از جهت اثبات، مؤلف همکار بودن تفاوتی با مؤلف بودن ندارد؛ یعنی اثبات آن با هر دلیلی امکان‌پذیر است. رویه قضائی عنوان مؤلف همکار را برای مدیر عکس برداری که هیچ نقشی در سایر حوزه‌های شکل‌گیری اثر نداشته است، رد کرده است (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۵).

در حقوق فرانسه معیار اثر مشترک این است که مؤلفان متعدد با مشورت یکدیگر تحت ایده واحد به خلق اثر مشترک بپردازند، فکر مشترک هیچ منافاتی با تقسیم کار ندارد. مهم این است که هر بخشی در چهارچوب برنامه مشترک صورت گیرد. این گونه است که رویه قضائی عنوان مؤلف را برای همکاری که در چهارچوب برنامه مشترک وظیفه تصحیح را به عهد داشته قائل است (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۳). دخالت مؤلفان در تهیه اثر مشترک باید با همفکری صورت گیرد، و به‌زعم دبوا (debois) استاد پیش‌کسوت در این رشته «با وحدت‌نظر» و «نظارت متقابل» صورت گیرد (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۳). به تعبیر رویه قضائی اثر مشترک نتیجه همفکری خلاق مؤلفان است، و این همفکری در حالتی که همکار به عنوان تنظیم‌کننده عمل کرده است، وجود ندارد.^۱

مطابق ماده ۲-۱۱۱۳ ل.ق.م.ف.ف. اثری مشترک نامیده می‌شود که در تحقق آن چندین شخص حقیقی مشارکت داشته باشند. در نظام شخص محور فرانسه مؤلف همکار نمی‌تواند کسی جز شخص حقیقی باشد، لذا اگر یکی از مؤلفان شخص حقوقی باشد، اجرای قاعده مواجهه با اشکال خواهد بود. در این صورت این پرسش مطرح است که با مشترک تلقی نشدن اثر آیا می‌توان آن را مشمول قواعد عام اموال مشاع قرار داد؟ پاسخ برخی به این پرسش مثبت است، با این استدلال که قواعد مدنی تنظیم‌کننده روابط بین شرکاء اعم از شخص حقیقی و یا حقوقی است که تصمیم بر استفاده از حقوق مالی خود به طور مشترک گرفته‌اند، اما این قواعد (مدنی) قادر به اعطای عنوان همکار مشترک در یک اثر مشترک نیستند، این ویژگی خاص صرفاً با اعمال قانون مالکیت فکری (۳۲-۱۱۱۳ L) امکان‌پذیر است (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۰). مطابق ماده ۳-۱۱۱۳ ل.ق.م.ف.ف. اثر مشترک در ملکیت مشترک مؤلفان همکار است؛ یعنی همان طوری که در یک رأی قدیمی آمده، مالکیت به روی کل اثر و به روی هر یک از قسمت‌ها مشاعی است، اما باید حقوقی را که هر یک از مؤلفان به روی آفریده خود دارند در نظر

۱. دیوان عالی، ۴ آوریل ۱۹۹۱، مجله بین‌المللی حق مؤلف، ۱۹۹۱، ص ۱۷۵.

گرفت.^۱ بنابراین مالکیت مؤلفان مشاعی است، اما نوعی از مالکیت مشاع که در همه موارد از قواعد عام مالکیت مشاع تبعیت نمی‌کند.

مطابق با قواعد عام مشاعی بهره‌برداری از اثر نیازمند اتفاق آراء مؤلفان است (بند ۲ ماده ۳-۱۱۳ ق.م.ف.ف)، بنابراین با مخالفت یکی از آنها بهره‌برداری از اثر دچار اشکال می‌شود و سایرین حق اعمال قرارداد بهره‌برداری حتی اگر متضمن فایده برای دیگران هم باشد را ندارند، در غیر این صورت نه تنها مرتکب تقصیر بلکه نقض حق هم شده‌اند. در جهت رفع این اشکال مطابق قانون دادگاه تعیین‌کننده خواهد بود. به عبارتی دیگر، چنانچه یکی از شرکاء بدون دلیل موجه و با سوءاستفاده از حق مشاعی خود مانع از نشر و عرضه اثر مشترکی که در آن همکاری داشته، گردید با تصمیم دادگاه بهره‌برداری از اثر ممکن می‌گردد. در این صورت تصمیم دادگاه می‌تواند برخلاف نظر اکثریت باشد. هر چند که اعمال حقوق مالی نیازمند اتفاق آراء مؤلفان است، اما اجرای حق معنوی مؤلفان قابل اجرا به صورت انفرادی است (گوتیه، ۱۹۹۶، ص ۵۰۷). ویژگی کاملاً شخصی حق معنوی مانع از رد دعوی شخصی هر یک از مؤلفان در زمینه حق معنوی است.

وفق نظر برخی مؤلفان و برخی آراء فرانسوی طرح دعوی انفرادی از طرف هر یک از مؤلفان همکار علیه ناقض حقوق مالی در اثر مشترک مجاز است، اما دیوان عالی اعلام داشته که «مؤلف همکار در یک اثر مشترک که اقدام به طرح دعوی جهت دفاع از حقوق مالی خود می‌کند ملزم به دخالت دادن (mettre en cause) سایر مؤلفان همکار است، در غیر این صورت دعوی قابل رد است» (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۶). عده‌ای با انتقاد از رأی یاد شده آن را خلاف ماده ۲-۸۱۵ ق.م.می‌دانند. مطابق این ماده «هر یک از مالکان مشاع مجاز به انجام اقدام لازم جهت صیانت از مال مشاع می‌باشند.» به هر حال به نظر این افراد: اولاً، دیوان عالی به ذکر دخالت دادن سایر مؤلفان اکتفا کرده است، بنابراین جهت طرح دعوی نیاز به جلب موافقت سایر مؤلفان نیست، بلکه کافی است که آنها را طرف دعوی قرار دهد.

ثانیاً، الزام به دخالت دادن سایر مؤلفان در مواردی قابل اعمال است که سهم مؤلف همکار از سایرین قابل تجزیه نباشد.

ثالثاً، هیچ محدودیتی در طرح دعوی خسارت ناشی از نقض حق برای شرکاء وجود ندارد.

۱. دادگاه استیناف پاریس، ۲۷ فوریه ۱۹۱۸ به نقل از لوکا ۲۰۰۱، ص ۱۶۵.

۲. هر چند که برداشت برخی از این عبارت این است که موافقت سایر مؤلفان ضروری است. جهت توضیح بیشتر مراجعه شود به انصاری، ۱۳۸۴، ص ۲۰۱.

رابعاً، محدودیت مقرر توسط دیوان عالی صرفاً به طرح دعاوی در حقوق مالی مربوط می‌شود، بنابراین در طرح دعاوی مربوط به حق معنوی برای همکار مؤلف محدودیت وجود ندارد.

برخی منتقدان رأی یاد شده عنوان می‌کنند، بهتر این است که دیوان عالی با عدول از رأی خود اعلام دارد که رأی صادره در دعوی مطروحه از طرف یکی از مؤلفان در مقابل سایر مؤلفان قابلیت استناد ندارد (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۸).

پاسخ برخی پرسش‌ها در مورد سهم مشاعی شریک در اثر مشترک را قانون مالکیت فکری فرانسه داده است، از جمله این پرسش که آیا هر یک از مؤلفان مجاز به بهره‌برداری جداگانه از سهم مشارکتی خود هستند؟ مطابق بند ۴ ماده ۳-۱۱۳ L.ق.م.ف.ف. وقتی که همکاری هر یک از مؤلفان از انواع مختلف است، هر یک از آنان می‌توانند بدون ایراد لطمه به بهره‌برداری اثر مشترک اقدام به بهره‌برداری جداگانه از سهم مشارکتی خود نمایند. بنابراین در مورد یک فیلم سازنده موسیقی می‌تواند بدون این که نیاز به موافقت سایر مؤلفان همکار داشته باشد اقدام به نشر موسیقی فیلم نماید. به نظر می‌رسد که این اقدام موجب ایراد لطمه به بهره‌برداری اثر مشترک نباشد. به هر حال شرایط بهره‌برداری جداگانه از سهم مشارکتی این است که اولاً سهم قابلیت تعیین و شناسائی را داشته باشد، ثانیاً بهره‌برداری از آن موجب رقابت با اثر مشترک نشود. مطابق رویه قضائی مشارکتی که به روی متن و تصویر یک اثر مشترک صورت گرفته از انواع گوناگون و بنابراین قابل تعیین و تشخیص است، پس بهره‌برداری مجزا از تصویر توسط نقاش مجاز می‌باشد، اما مشارکتی که در تهیه یک اثر تاریخی به شکل کارتون (نقاشی متحرک) صورت گرفته، چون وجود تصاویر در ارتباط تنگاتنگ با تاریخ است، قابل بهره‌برداری به صورت جداگانه نیست (لوکا، ۲۰۰۱، ص ۱۶۹). همچنین، حق تألیف در اثر مشترک می‌تواند به صورت مقطوع و یا نسبی باشد. مدت حمایت مطابق ماده ۱-۱۲۳ L.ق.م.ف.ف. هفتاد سال پس از فوت آخرین همکار است. در اینجا طولانی بودن عمر یکی از مؤلفان به نفع وراثت سایر مؤلفان است.

اما پرسش‌های متعدد در مورد سهم مشاعی شریک در اثر مشترک مطرح می‌باشد که قانون مالکیت فکری فرانسه بدان نپرداخته است. به نظر می‌رسد قواعد عام مشاعی تا جایی که طبیعت خاص آثار مشترک فکری اقتضای دیگری نداشته باشد، راه‌گشا خواهد بود. از جمله این پرسش‌ها این است که مقدار سهم مشاعی چگونه قابل ارزیابی است؟ آیا توسط طلبکار قابل توقیف است؟ آیا مؤلف همکار می‌تواند با واگذاری سهم خود به ثالث نظام اشتراکی را ترک کند؟

از آنجا که مشارکت مؤلفان از جهت اهمیت می‌تواند متفاوت باشد، لذا ارزیابی سهم هر یک آسان نیست. صرف‌نظر از شایستگی هر یک از مؤلفان، نقش مؤلف واقعی در مقایسه با مؤلف ظاهری در یک اثر مشترک، نقش شخص گزارش شده و شخص گزارشگر در یک گزارش قابل مقایسه با یکدیگر نیست. در این موارد تعیین سهم هر یک به طور توافقی و الا توسط دادگاه می‌تواند صورت گیرد. همچنین مطابق قواعد عام مشاعی، سهم مشاع مؤلف همکار قابل توقیف و فروش است. به همین منوال، همچنانکه در یک مالکیت مشاعی در حالت کلی هیچ اجباری برای شرکاء در ادامه وضعیت وجود ندارند و هر یک مختار به ترک مشارکت می‌باشند، در یک اثر مشترک نیز هر یک از مؤلفان می‌توانند در هر زمانی با رعایت حق تقدم خرید سایر شرکاء سهم خود را به ثالث واگذار کرده و مالکیت مشاعی را ترک کنند. رعایت حق تقدم خرید سایر مالکان مشاع مطابق قانون مدنی فرانسه موجب این است که سایر مالکان مشاع بتوانند از ورود فرد خارجی که می‌تواند مضر در بهره‌برداری مشترک باشد، جلوگیری کنند. در این صورت قیمت سهم مشاعی توسط کارشناس تعیین خواهد شد (گوته، ۱۹۹۶، صص ۵۰۹ و ۵۰۱). جایگزینی مشارکت‌کننده توسط شخصی دیگر خللی به عنوان اثر مشترک وارد نمی‌کند، هر چند که عمل جایگزینی خود علامتی است بر فقدان همفکری و مشورت بین آنان.

نتیجه

در حقوق داخلی مفاهیم مورد بحث از نبود تعریف قانونی جامع و نیز نبود رویه قضایی و تحلیل حقوقی توسط دکترین رنج می‌برند، هر چند که برخی صاحب‌نظران بدان اشاره‌ای مختصر داشته‌اند (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۸۲ و ۸۳ - آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۸). قانون‌گذار طی ماده ۶ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ مقرر داشته: «اثری که با همکاری دو یا چند پدید آورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است.» همچنین قانون‌گذار طی ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدید آورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای با همان چهارچوب فکری اعلام داشته: «هرگاه اشخاص متعدد در پدید آوردن نرم‌افزار مشارکت داشته باشند، چنانچه سهم مشارکت هر یک در پدید آوردن نرم‌افزار مشخص باشد، حقوق مادی حاصل از آن به نسبت مشارکت به هر یک تعلق می‌گیرد. در صورتی که کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدید آورندگان است.» به نظر می‌رسد که قانون‌گذار همچون برخی دیگر قانون‌گذاران و نیز مطابق استنباط برخی مؤلفان فرانسوی از بند ۳ ماده ۹ قانون ۱۹۵۷ فرانسه، ضابطه تشخیص اثر مشترک از

سایر آثار مرکب از جمله اثر جمعی، بدون آنکه به این نوع اثر به طور صریح اشاره‌ای داشته باشد، را در تعیین و تشخیص سهام مشارکتی مؤلفان می‌داند. مضافاً این که هیچ حکم خاصی در رابطه با اثر مشترک هم مطرح نمی‌کند، گویی نظر به شمول قواعد مال مشاع در این مورد دارد. به هر حال با بررسی تاریخی صورت گرفته از این واژه‌ها مشخص شد که مفهوم کلیدی در تمیز اثر مشترک از دیگر آثار مرکب همفکری و در واقع همکاری در سطح افقی همکاران است، بدون توجه به قابلیت تعیین یا عدم تعیین سهام مشارکت مؤلفان همکار. بنابراین نگارش مواد ناقص و نارسای یاد شده، قابل انتقاد و نیازمند بازنگری و اصلاح می‌باشد.

امروزه از یک طرف تأکید بر انجام پژوهش‌های گروهی است، و از طرف دیگر نه تنها هیچ چهارچوب حقوقی مشخص و معینی جهت حاکمیت و بهره‌برداری از این نوع نتایج تحقیقی پیش‌بینی نشده، بلکه در تعریف این نوع آثار نیز ابهام و اشکال قانونی وجود دارد. وجود ابهام و کلی‌گویی در مورد مالکیت آثار ادبی و هنری یا اختراعی که در نتیجه همکاری صورت می‌گیرد، موجب شده است که پژوهش‌های جمعی و طرح‌هایی که به صورت گروهی شروع می‌شوند در ادامه دچار وقفه گردد و عمدتاً در پایان به لحاظ نارسائی‌های موجود بین مشارکت‌کنندگان اختلاف جدی بروز کند (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵).

بنابراین، مناسب است که جامعه حقوقی هر چه سریع‌تر تنظیم و تعیین چهارچوب حقوقی کارهای گروهی را وجهه همت خود قرار دهد. لازم است که انواع همکاری‌ها به تفکیک تعریف شده و چارچوب حقوقی آنها به نحوی سامان گیرد که روشنگر کلیه پرسش‌های مطرح در زمینه‌های مربوط باشد. بدون شک در این راستا توجه به تجارب دیگران می‌تواند مفید واقع شود.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. آیتی، حمید، (۱۳۷۵)، حقوق آفرینش‌های فکری، نشر حقوقدان.
۲. انصاری، باقر، (۱۳۸۴)، طرح تحقیقاتی سازوکار حقوقی- نهادی حمایت از تولید علم، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۳. صفایی، سید حسین، (۱۳۷۵)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، چاپ اول، مقاله چهارم.
۴. صادقی، محمود، (۱۳۸۶)، مالکیت حق مؤلف، تأملاتی در حقوق تطبیقی، انتشارات سمت.
۵. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان هنرمندان مصوب ۱۳۴۸.
۶. قانون حمایت از پدید آورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴.
۷. کلمبه، کلود، (۱۳۸۵)، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمدزاده وارقانی، نشر میزان.
۸. نوروزی، علیرضا، (۱۳۸۱)، حقوق مالکیت فکری، نشر چاپار.

ب- خارجی

- 1- Debois (H), Le droit d'auteur en France, Dalloz, 3^e éd, 1978.
- 2- Françon (A), Cours de propriété littéraire artistique et industrielle, 1990.
- 3- Gautier (P.Y), propriété littéraire et artistique, PUF, 2^e éd, 1991.
- 4- Lucas, André et Henri – jacques, Traité de la propriété littéraire et artistique, 2^e éd, 2001, Litec.
- 5- Revue international du droit d'auteur

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«ترابری چند نوعی و نارسایی قانون داخلی» سال ۷۲، شماره ۳۰. «اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه» سال ۷۶، شماره ۳۶. «رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق» سال ۷۶، شماره ۳۸. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حمل و نقل مرکب بین‌المللی کالا (کنوانسیون ۲۴ مه ۱۹۸۰ ژنو) سال ۷۷، شماره ۴۱. «ملاحظات پیرامون رویه قضایی به عنوان منبع حقوق» سال ۷۸، شماره ۴۵. «مسئولیت و حقوق عامل حمل و نقل مرکب در معاهده ژنو ۱۹۸۰، سال ۷۹، شماره ۵۰. «مسئولیت متصدی حمل و نقل دریایی» سال ۸۱، شماره ۵۵. «کنوانسیون راجع به یکنواخت کردن برخی مقررات حمل و نقل هوایی بین‌المللی، سال ۱۳۸۴، شماره ۶۸.

Archive of SID